

پترول E10 و مورال دوگانه امپر ياليزم



عدم موجودیت بیداری مردم در کشورهای ما در سرمایه و پذیرش هرگونه دسایس و طفره رویه‌های سیاسی- اقتصادی حکومت در لفافه "خدمت به مردم" باعث میشود تا نخست پلانها را عملی سازند و هرگاهی در ساحة تعمیل آن مشکلی رونما گردد، در آنصورت یکی از طرفین دخیل در مسائل را به تصفیة حساب وا دارند. اگر مرور مختصری به برنامه های تلویزیونی و رادیویی این کشورها بنمائیم، به یک نتیجه میرسیم که حکومتها درصدد آنند تا مردم را بوسیله مبتذل ترین برنامه ها در تاریکی مطلق قرار دهند.

از همینجاست که حکومت آلمان با وجودیکه در خفا در جستجوی راه های دیگری هستند تا بتوانند به مردم لطمه زنند و کانسرنهای بزرگ انحصاری را به منفعت بری بیشتر رهنمون گردند، این اعمال شانرا دموکراسی و خدمت بمردم نام میگذارند. اینکه پترول جدید* تا حدودی برای موتورها و تانکیهای عراده جات معمولی ضرر میرساند معلوم بوده و ضرورت به بحث بیشتر درین زمینه نیست. حکومت فدرال که دنباله رو دست اول طراحیهای ایالات متحده امریکا است و با خانم میرکیل این دنباله روی وارد مراحل بیمانند خود گردیده است، اکنون پلانهای جورج دبلیو بووش را در زمینه استفاده از پترول جدید* به معرض اجرا قرار میدهند. این پترول که در آن ۱۰ درصد ایتانول مخلوط است و بنام بیوپترول بفروش میرسد، آغازش در ایالات متحده امریکاست که در آنجا به پیشروی پرداخته و اکنون الی ۱۵ درصد بانفت طبیعی مخلوط میگردد. تا اینجا مسائل کاملاً قابل فهم است، زیرا علم در تکامل است و هرروز تولیدات جدیدی به بازار بین المللی عرضه میگردد و باید هم چنین باشد.

و اما آنانیکه عراده جات شان را کمتر حرکت داده و مدت زمان زیادی از پترول جدید* استفاده میکنند، باید بدانند که تانکی های عراده جات شان که آهنی است، زودتر مورد حمله اوکسیداسیون (زنگ زدن) قرار میگیرد. علت آن اینستکه ایتانول از خود آب اطراح میکند و

تراکم بیشتر این الکهول در پترول باعث اطراح بیشتر آب گردیده و در صورت استفاده اندک از عراده جات باعث از بین رفتن کامل تانکیها میگردد. اینست واقعیت علمی - تخیلی آن، ولی دیده میشود که حکومت بازم در خدمت منفعت بریهای سرمایه قرار داشته و زمینه های درآمد بیشتر را برای آنها بدون در نظر داشت خالی نمودن جیبهای مردم عملی میسازد. ناگفته نباید گذاشت که مواد خام ایتانولی که ۱۰ درصد درین پترول مخلوط میگردد، از گندم، جو، جواری و سائر تولیدات کشاورزی که بخاطر زدودن گرسنگی در جهان خیلیها ارزشمند هستند، استحصال میگردد. مطلب را نباید درینجا مختوم پنداشت، زیرا مشکل اساسی رادر جای دیگری باید سراغ کرد.

اگر خواننده عزیز بیاد داشته باشد، بنده قریب به یکسال پیش در نبشته ایکه متشکل از چهاربخش بود، تذکر داده بودم که ایالات متحده امریکا پلانهای استراتیژیک اش را تا سال ۲۰۵۰ در افغانستان ریخته و میخواهد نفوس جهان را تا سال متذکره به ۵۰ میلیون انسان در مقایسه با احصائیه سال ۲۰۰۱ کاهش بخشد تا برنامه های شان عملی گردد.

ولی باید پرسید که:

عواقب این استراتیژی برای جهانیکه در آن به اساس احصائیه های ماه دسامبر سال ۲۰۰۸ سازمان خوراکه و زراعت جهان، وابسته به سازمان ملل متحد، ۹۶۳ میلیون انسان با گرسنه گی در مبارزه روزانه قرار دارند، چه خواهد بود؟

چه وقت کشتزار های تریاک افغانستان را عمال امپریالیزم و دلان ملی و بین المللی شان به کشتزار های گندم و جواری مبدل خواهند ساخت تا وابستگی کشور افغانها از پاکستان و سائر همسایگان خاتمه یابد؟

و بالاخره کدام پلانهایی در مورد زدودن گرسنگی در قاره های آسیا، افریقا و امریکای لاتین وجود دارد تا انسانها حداقل گرسنگی روزانه شانرا فراموش کنند؟

در ارائه جواب به این سوالها و مسائل دیگری ناشی از آن توجهی صورت نمیگیرد. ولی در مقابل امپریالیزم یکبار دیگر جنایتی را در جهان مرتکب میشود که باعث هلاکت میلیونها انسان شده و بغارت بردن "جهان سوم" هنوز هم ادامه دارد.

اکنون مشاهده میکنیم که امپریالیزم گلوبال در کنار جنگها که آغاز آن با دروغی گذاشته شده، انفجارات و برخورد های داخلی و منطقوی که تا حدود زیادی از جانب خود شان سازماندهی

میگردد و نصب رژیم های آستانبوس که تحت کنترل خود شان کار میکنند، تعیین کننده تصویر سیاسی- اقتصادی و اجتماعی کشور های فقیر و آنده از کشور های دیگری که دیکته را نمی پذیرند، میباشد.

ولی بازهم امپریالیزم گلوبال یک قدم به جلو رفته وبا اتکا به سیاستهای کهنه کاران انگلیس استعمارگر که میگفتند "از غریب هیچ چیزش را نگیر، نانش را بگیر!" اکنون وارد صحنه گردیده و بخاطر تحقق "راه زنده گی امریکایی**" از بالای اجساد ملیونها انسان میگذرند و به این عمل غیرانسانی شان در رسانه های جمعی جایگاه یک برخورد عادی میان حکومت و کانسرنهای ملی و یا فراملیتی نفت را قائل میشوند.

E10*

American way of Life**